

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

**سرپیچی و توهین
کارنامه انصار و مهاجرین**

۷ آذر ۱۳۸۶

۱۷ ذی القعدة ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله
على أعدائهم أجمعين » .

قال الله الحكيم في محكم كتابه :

﴿ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ
اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴾^(۱) .

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها نیز از او خشنود شدند و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.

چکیده سخن؛

در سلسله مباحث گذشته دلایل و آیات مورد استناد قائلین به عدالت

۱- سوره توبه، آیه ۱۰۰.

صحابه را بیان نمودیم و بر تمامیت ادله آنان اشکالاتی وارد کردیم.

برخی از آن اشکالات عبارتند از:

۱- قرآن مجید از برخی صحابه با عناوینی چون بیمار دل و منافق یاد کرده و به آنان وعده عذاب داده شده است^(۱). روشن است که این عناوین و آن وعده با عدالت سازگار نمی باشد؛ بنابر این نمی توان عدالت همه صحابه رسول الله ﷺ را پذیرفت.

۲- در قرآن مجید، صحابه رسول الله ﷺ به دو گروه مهاجرین و انصار تقسیم می شوند و آیات فراوانی در حق آنان نازل شده است، اما نباید فراموش نمود که همه مهاجرین و انصار مورد رضایت خداوند سبحان نیستند و خداوند متعال تنها از آن دسته راضی و خشنود است که دارای ویژگیهای خاص باشند. این ویژگیها عبارتند از:

الف: تداوم و استمرار بر ایمان و وفاداری بر عهد و پیمان^(۲)؛

ب: خلوص نیت و در نظر گرفتن رضایت پروردگار^(۳)؛

ج: بر خورد شدید و با صلابت در برابر دشمنان اسلام^(۴)؛

د: رأفت و مهربانی با مؤمنان^(۵).

۱- سوره مدثر، آیه ۳۱.

۲- سوره فتح، آیه ۱۰.

۳- سوره نحل آیه ۴ و سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۴- سوره فتح، آیه ۲۹، سوره مائده آیه ۵۴.

۵- سوره فتح، آیه ۲۹، سوره مائده آیه ۵۴.

با رجوع به تاریخ روشن می‌شود بسیاری از کسانی که عنوان صحابی را یدک می‌کشند و نظریه پردازان عدالت صحابه، قائل به عدالت و رستگاری آنان هستند، حتی واجد یکی از ویژگیهای فوق نبودند.

نظریه عدالت صحابه دارای اشکالات اساسی و فراوانی می‌باشد. به غیر از اشکالاتی که در جلسات گذشته بیان نمودیم، اشکالات دیگری نیز وجود دارد، که اکنون به آن می‌پردازیم.

مراعات احترام و ادب در پیشگاه رسول الله ﷺ؛

خداوند متعال در قرآن مجید به همه مسلمانان - صحابی و غیر صحابی - وعده رستگاری و بهشت داده است، به شرط این که فعلی از آنان سر نزنند که موجب حبط^(۱) و از بین رفتن اعمال صالح گذشته گردد. چند دسته از اعمال هستند که از نظر خداوند موجب حبط اعمال انسان می‌شود؛ از جمله این اعمال بازگشتن از مسیر حق و انکار ایمان است. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^(۲).

و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان آورد، اعمال او تباه می‌گردد و در سرای دیگر از زیانکاران خواهد بود.

۱- حبط: باطل و ناچیز شدن عمل (لغت نامه دهخدا).

۲- سوره مائده، آیه ۵.

گروه دیگری از افعال که موجب حبط اعمال می‌شود - و محلّ بحث ما نیز هست - بی ادبی به ساحت مقدّس نبی مکرم ﷺ است. در منطق قرآن هر عملی که بوی بی ادبی و اهانت به پیامبر اعظم ﷺ از آن استشمام شود موجب نابودی اعمال صالح گذشته می‌شود. قرآن کریم در این رابطه می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿١﴾.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزی را بر خدا و رسولش مقدّم نشمرید (و پیشی مگیرید) و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند شنوا و داناست * ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر ﷺ [نکنید و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید) که آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی‌دانید.

در این آیه خداوند متعال به مسلمانان دستور می‌دهد که در گفتار و رفتار بر پیامبر ﷺ سبقت نگیرند و پیشدستی نکنند؛ به این معنا که دنباله رو و تابع محض رسول الله ﷺ باشند. دستور دیگری که خداوند برای نحوه برخورد با پیامبر ﷺ صادر می‌کند این است که مسلمانان حق ندارند با صدای بلند و

۱-سوره حجرات، آیه ۲ و ۱.

جسورانه با پیامبر ﷺ سخن بگویند، و اگر چنین کردند اعمالشان تباه خواهد شد.

مراجعه به تاریخ و جستجو در اسناد قطعی و مسلم آن نشان می‌دهد که بسیاری از صحابه به این دستور صریح قرآن مجید عمل نکردند. به خصوص برخی از صحابه که برای خود جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان قائل بودند در برخورد با رسول الله ﷺ ادب و نزاکت را رعایت نمی‌کردند و در بسیاری از موارد رفتاری جسارت‌آمیز از خود نشان می‌دادند.

اگر تنها یک صحابی به دستور قرآن مجید عمل نکرده باشد و در برخورد با پیامبر ﷺ ادب را رعایت نکرده باشد، شمول و عموم نظریه عدالت همه صحابه نقض شده و مخدوش می‌گردد.

در میان قدیسان اهل سنت که همان عشره مبشره^(۱) می‌باشند کسانی وجود دارند که به شهادت تاریخ با رسول الله ﷺ بسیار جسارت‌آمیز رفتار می‌کردند و جانب ادب و احترام را مراعات نمی‌نمودند.

خلوص و یقین در ایمان؛

خداوند متعال در قرآن مجید برای مؤمنین واقعی نشانه‌هایی ذکر نموده

۱- بنا بر ادعای اهل سنت پیامبر ﷺ به ده نفر از صحابه خود بشارت داده که به بهشت می‌روند، از این عده به عشره مبشره نام برده می‌شود، نام و روایت مورد نظر آنان را می‌توان در کتابهای مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۱۹۳ و کنز العمال، جلد ۱۱ صفحه ۶۳۸ یافت.

است. با دقت و تأمل در نشانه‌های مؤمنین و مطالعه احوال صحابه در می‌یابیم که همه آنها دارای آن علائم نیستند؛ لذا نمی‌توان گفت که همه صحابه عادل و رستگارند. تنها آن دسته از صحابه مورد رضایت خداوند متعال هستند که آراسته به صفات مؤمنین واقعی باشند؛ بنابر این هر کسی که چند صباحی در محضر رسول الله ﷺ بوده و سپس به هر گناهی آلوده شده باشد نمی‌تواند عادل و رستگار باشد.

در این زمینه خداوند سبحان می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴾^(۱).

مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ﷺ ایمان آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنها راستگویانند.

در این آیه خداوند متعال دو ویژگی برای مؤمنین راستین بر می‌شمارد.

۱- در ایمان خود به خداوند و رسول الله ﷺ استوار و ثابت قدم باشند و

هیچ شک و شبهه‌ای نسبت به ایمان خود نداشته باشند؛

۲- جان و مال خود را بر کف بگذارند و در راه خدا جهاد کنند.

طبق فرموده خداوند سبحان کسانی که دارای این دو ویژگی باشند در

۱- سوره حجرات، آیه ۱۵.

ایمان خود راستگو و صادق هستند و می‌توان گفت که ایمان آنان واقعی و استوار است.

پرسش این است که آیا همهٔ صحابه واجد دو ویژگی فوق بودند؟ آیا ایمان برخی از صحابه پس از پیامبر ﷺ دچار تزلزل و تردید نشد؟
هنگامی که صفحات تاریخ صدر اسلام را ورق می‌زنیم با گروهی که به «اصحاب رده»^(۱) معروف شدند، بر خورد می‌کنیم. بنا به نقل کتب تاریخی اهل سنت، این افراد پس از رسول الله ﷺ منحرف شدند و از ایمان خود بازگشتند.

در نمونه‌ای دیگر، خالد ابن ولید یکی از صحابهٔ رسول الله ﷺ به نام مالک ابن نویره را به طرز فجیعی به قتل رساند و همان شب با همسر وی همبستر شد. و تنها دلیل واهی او این بود که می‌پنداشت مالک به دلیل خودداری از پرداخت زکات کافر شده است و حال آنکه به صراحت تاریخ مالک فقط سرگرم تحقیق بوده که آیا آنکه مدعی خلافت شده واقعاً صلاحیت تصرف در زکات را دارد یا نه^(۲).

همین یک نمونه برای عدم عدالت همهٔ صحابه کافی است.

۱- اصحاب رده پس از رحلت رسول الله ﷺ از پرداخت زکات به دستگاه خلافت وقت خود داری نمودند و در نتیجه بر اساس نظر اهل سنت مرتد شدند. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱۷ صفحه ۲۰۳.
۲- البدایة والنهاية، جلد ۶ صفحه ۳۵۴ و اجتهاد در مقابل نص، صفحه ۱۳۴.

سیر در آیات قرآن مجید، روایات و تاریخ صدر اسلام، موارد غیر قابل انکاری را نمایان می‌کند که صحابه فرامین رسول الله ﷺ را زیر پا گذاشتند و به آن عمل نکردند و حتی در مواردی پا در حریم وحی گذاشتند و به مخالفت با رسول الله ﷺ پرداختند. تحریم عقد موقت، تصرف در اذان، زیاده روی در اجرای حدود الهی و دهها نمونه دیگر از این قبیل، شهادت صریح تاریخ علیه جمعی از صحابه است که اهل سنت امروزی می‌خواهند آنها را عادل جلوه کنند^(۱).

آیا چنین صحابه‌ای عادل و رستگارند؟ به راستی که اینان دشمنانی هستند که لباس دوست بر تن کرده‌اند.

صحابه و گریز از جنگ؛

یکی از گناهان کبیره‌ای که دامن بسیاری از صحابه بدان آلوده است، فرار از جنگ می‌باشد. حاکم نیشابوری در کتاب مستدرک^(۲) در این زمینه دو روایت قابل تأمل را ذکر می‌کند.

عبدالله ابن زبیر می‌گوید: ام سلمه یکی از همسران رسول الله ﷺ به

۱- برای اطلاع بیشتر از فجایع صحابه و تصرفات آنها در حریم وحی به کتاب اجتهاد در مقابل نص، تألیف علامه سید محمد حسین شرف الدین مراجعه کنید.
 ۲- کتاب مستدرک حاکم از کتب مورد اعتماد اهل سنت می‌باشد، نویسنده این کتاب، روایاتی را که بخاری و مسلم در صحیح خود ذکر نکرده‌اند را جمع آوری نموده است.

همسر سلمة بن هاشم بن المغیره گفت:

« مالي لا أرى سلمة يحضر الصلاة مع رسول الله ﷺ و مع المسلمين؟

چرا سلمه را نمی بینم که همراه با رسول الله ﷺ و دیگر مسلمانان نماز به جماعت بخواند.

قالت: وإنه لا يستطيع أن يخرج، كلما خرج صاح به الناس يا فرار! أفررتم في سبيل الله عزوجل»^(۱).

در پاسخ همسر سلمه گفت: او نمی تواند از منزل بیرون آید؛ زیرا هر بار خواست که بیرون آید مردم با صدای بلند به او گفتند: ای فراری، آیا از جهاد در راه خدا فرار کردید!؟

در روایتی دیگر ابو هریره می گوید:

« لقد كان بيني وبين ابن عمّ لي كلام فقال إلا فرارك يوم موتة فما دريت أيّ شيء أقول له»^(۲).

در مشاجره لفظی که بین من و پسر عمویم بود وی به من گفت: به جز فرار تو در جنگ موته [می خواست مرا با این فرار سرزنش کند] و من نمی دانستم چه پاسخی به او بدهم.

با توجه به همین روایت ابو هریره که در واقع نوعی اعتراف به فسق

۱- مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۴۲، اسد الغایة، جلد ۵ صفحه ۶۳۵.

۲- مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۴۲.

محسوب می‌شود، بار دیگر اهل سنت گرفتار تناقض در ادعایشان می‌شوند. آیا راوی بزرگ اهل سنت - که در طول کمتر از دو سال همراهی اش با پیامبر ﷺ، تقریباً به اندازه همه صحابه از پیامبر ﷺ روایت نقل کرده است - از عدالت خارج است و باید احادیث او را انکار کرد؟ و یا اینکه اصلاً عدالت برای راوی شرط نیست؟!

حرمت شکنی برخی از صحابه؛

اعتراض به رسول الله ﷺ و حرمت شکنی ساحت ایشان ننگی است که دامن برخی از صحابه به آن آلوده شده است. یکی از موارد بسیار روشن آن در واقعه صلح حدیبیه روی داد^(۱). هنگامی که مسلمانان نتوانستند برای به جای آوردن اعمال حج به مکه مشرف بشوند، رسول الله ﷺ به آنان دستور قربانی کردن دادند و سپس سرهای خود را بتراشند و از احرام خارج شوند. در این هنگام برخی از صحابه که در میان مسلمانان از جاهت و جایگاه خاصی برخوردار بودند به مخالفت با رسول الله ﷺ پرداختند و گروه کثیری نیز از آنان حمایت کردند؛ در نتیجه شورش و آشوبی علیه رسول الله ﷺ ایجاد شد.

سردمدار این عصیان گروهی، خلیفه دوم و بهانه وی تخلف رسول الله ﷺ از احکام شریعت بود!! وی می‌گفت: تنها پس از به جا آوردن اعمال حج

۱- برای اطلاع بیشتر از این واقعه به جزوه شماره ۳۲ صفحه ۷ رجوع کنید.

باید از احرام خارج شویم .

پس از گفتگوهای فراوان بین شورشیان و پیامبر ﷺ آنان نظر رسول الله ﷺ را پذیرفتند و با ایشان بیعت مجدد (بیعت رضوان) کردند و پیمان بستند که دیگر از اوامر رسول الله ﷺ سرپیچی نکنند .

نفرین شدگان رسول الله ﷺ ؛

سر پیچی از فرمان رسول الله ﷺ و نپیوستن به سپاه اسامه از موارد دیگری است که عدم فرمان پذیری و اطاعت برخی از صحابه را نشان می‌دهد . این واقعه قابل انکار نیست اما اهل سنت برای پرده پوشی این واقعه به شکلی تلاش می‌کنند که گویا اتفاق مهمی روی نداده است و تخلف صحابه از دستور پیامبر ﷺ برای پیوستن به سپاه اسامه اصلاً مسأله مهمی نیست .

ابن ابی الحدید در رابطه با این واقعه چنین می‌نویسد :

« إن رسول الله ﷺ في مرض موته أمر أسامة بن زيد بن حارثة على جيش فيه جلة المهاجرين والأنصار ، منهم أبو بكر وعمر وأبو عبيدة بن الجراح وعبدالرحمن بن عوف وطلحة والزبير وأمره أن يغير على مؤتة حيث قتل أبوه زيد وأن يغزو وادي فلسطين ؛

رسول الله ﷺ در بستر بیماری ، اسامه را به فرماندهی سپاهی منصوب کردند که گروهی از بزرگان مهاجرین و انصار چون ، ابوبکر

[علیه ما علیه]، عمر [علیه ما علیه]، ابو عبیده، عبدالرحمن بن عوف طلحه و زبیر در آن بودند، و به او دستور دادند که برای جنگ در سرزمین فلسطین از موته آن جایی که پدرش کشته شده بود حرکت کند.

فتناقل اسامة و تناقل الجیش بتناقله وجعل رسول الله ﷺ في مرضه يثقل ويخف ويؤكد القول في تنفيذ ذلك البعث؛

بر اسامه و سپاهیان این کار - جنگ با رومیان در حالی که پیامبر ﷺ در همان حال در بستر بیماری بود - سنگین بود. اما رسول الله ﷺ در همان حال بیماری برای حرکت سپاه اصرار و تأکید فراوانی نمودند.

حتى قال له اسامة: بأبي أنت وأمي! أأذن لي أن أمكث أيا ما حتى يشفيك الله تعالى؛

اسامه عرض کرد: پدر و مادرم به فدای شما باد! آیا اجازه می دهید چند روزی صبر نمایم تا خداوند شما را شفا دهد.

فقال ﷺ: أخرج وسر على بركة الله، فقال: يا رسول الله ﷺ إن أنا خرجت وأنت على هذه الحال خرجت وفي قلبي قرحة منك، فقال ﷺ: سر على النصر والعافية؛

رسول الله ﷺ فرمودند: حرکت و مسیر خود را با برکت خدا آغاز کنید. اسامه عرض کرد: یا رسول الله ﷺ اگر من در حال بیماری

شما حرکت کنم، در دل اندوهگین خواهم بود. پیامبر ﷺ فرمودند: حرکت کن به امید پیروزی و عافیت [شفای من از بیماری]. فقال ﷺ: أَنْفِذْ لِمَا أَمَرَكَ بِهِ ثُمَّ أَعْمِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَقَامِ أُسَامَةَ فَتَجَهَّزْ لِلْخُرُوجِ، فَلَمَّا أَفَاقَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَأَلَ عَنْ أُسَامَةَ وَالْبَعْثِ، فَأَخْبَرَ أَنَّهُمْ يَتَجَهَّزُونَ، فَجَعَلَ يَقُولُ: أَنْفِذُوا بَعْثَ أُسَامَةَ، لَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ» (۱).

سپس رسول الله ﷺ فرمودند: آن چه که تو را بر آن امر کردم انجام بده، پس بیهوش شدند و اسامه خود را برای حرکت آماده نمود، هنگامی که رسول الله ﷺ به هوش آمدند از اسامه و حرکت وی سؤال نمودند، به ایشان عرض کردند: در حال حرکت هستند، سپس رسول الله ﷺ فرمودند: همراه با اسامه حرکت کنید. خدا لعنت کند کسی را که از او سرپیچی کند.

پیامبر ﷺ صریحاً سرپیچی کنندگان از سپاه اسامه را لعنت کردند، آیا چنین صحابه‌ای که از فرمان رسول الله ﷺ تخلف کردند و مورد نفرین قرار گرفتند، شایسته دارا بودن صفت عدالت می‌باشند؟

لہانت عمر بہ پیامبر ﷺ؛

سرپیچی، اعتراض و جسارت‌های صحابه به موارد فوق محدود نگردید.

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۶ صفحه ۵۲.

هر چه بیشتر تاریخ صدر اسلام را مورد بررسی و دقت قرار می‌دهیم به نمونه‌های بیشتری دست می‌یابیم.

یکی از شرم‌آورترین و وقیحانه‌ترین موارد جسارت و اهانت به خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی روی داد که ایشان در بستر بیماری بودند و لحظات پایانی عمر شریفشان در حالی سپری شدن بود. در کتاب صحیح بخاری که نزد اهل سنت اعتبار ویژه‌ای دارد و آن را هم سطح قرآن مجید می‌پندارند در رابطه با واقعه فوق‌اینگونه نگاشته شده است.

«لما حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الوفاة، وفي البيت رجال فيهم عمر بن الخطاب، قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ائتوني بدواة وصحيفة، اكتب لكم كتاباً لا تضلون بعدي؛

هنگام نزدیک شدن رحلت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نزد ایشان مردانی بودند از جمله عمر بن خطاب. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: جوهر و کاغذی برایم بیاورید می‌خواهم برای شما مطلبی را بنویسم که پس از من هرگز گمراه نگردید.

فقال عمر كلمة معناها أن الوجد قد غلب على رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ثم قال: عندنا القرآن، حسبنا كتاب الله؛

عمر پس از فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم جمله‌ای گفت. سخن وی این معنا را می‌رساند که بیماری بر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم غلبه نموده است.

سپس گفت: قرآن در نزد ما است و آن ما را کفایت می‌کند. [نیازی به نوشته رسول الله ﷺ نداریم].

«فاختلف من في البيت واختصموا، فمن قائل يقول: القول ما قال رسول الله ﷺ ومن قائل يقول: القول ما قال عمر؛

پس از سخن عمر در میان حاضرین اختلافی افکنده شد، برخی می‌گفتند: به فرمایش رسول الله ﷺ عمل کنید و برخی می‌گفتند: سخن عمر درست است.

فلما أكثروا اللغو واللغو والاختلاف، غضب رسول الله ﷺ فقال: قوموا، إنه لا ينبغي لنبی أن يختلف عنده هكذا؛

هنگامی که درگیری، نزاع و اختلاف بالا گرفت، رسول الله ﷺ غضبناک شدند و فرمودند: برخیزید. سزاوار نیست که در نزد پیامبری اینگونه اختلاف شود.

فقاموا ومات رسول الله ﷺ في ذلك اليوم، فكان ابن عباس يقول: إن الرزية كل الرزية ما حال بيننا وبين كتاب رسول الله ﷺ - يعني الاختلاف واللغو»^(۱).

حاضرین رفتند و در همان روز رسول الله ﷺ رحلت کردند، پس از این واقعه، ابن عباس می‌گفت: مصیبت و تمام مصیبت آن چیزی

۱- صحیح بخاری، جلد ۱ صفحه ۳۷ و مسند احمد، جلد ۱ صفحه ۳۳۶ و صحیح مسلم، جلد ۵ صفحه ۷۵.

است که بین ما و نوشته رسول الله ﷺ فاصله افتاد - یعنی اختلاف و درگیری - [اختلاف و نزاع باعث انصراف رسول الله ﷺ از نگاشتن گشت] (۱).

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه این واقعه را نوشته است و در انتها آن می نویسد:

« إِتَّفَقَ الْمُحَدِّثُونَ كَأَقَّةِ عَلِيٍّ رَوَايَتَهُ » (۲).

تمام محدثین بر این روایت اتفاق نظر دارند.

سخن عمر آنقدر بی شرمانه و جسارت آمیز بود که اغلب محدثین از ذکر آن پشیمان شدند و فقط به ذکر معنای سخن وی بسنده می کنند.

اما بسیاری دیگر از نویسندگان از سخن بی شرمانه عمر در آن جمع پرده برداشته و می نویسند: خلیفه دوم به حاضرین گفت:

« إِنَّ الرَّجُلَ لِيَهْجُرَ » (۳).

آن مرد [رسول الله ﷺ] هذیان می گوید.

۱- با اینکه پیامبر ﷺ چیزی ننوشتند ولی ما از نا نوشته رسول الله کتابها نوشتیم در شرح مظلومیت رسول الله ﷺ و خاندان مطهرش، پیامبر ﷺ فرمودند می خواهم چیزی بنویسم که پس از من هرگز گمراه نشوید. اگر چه نگذاشتند که پیامبر ﷺ آنچه را که می خواستند بنویسند ولی همین نوشتن خود نوشته محکمی شد برای بیدار دلان روشن ضمیری که از سیره پیامبر ﷺ درس می گیرند تا راه حق را پیدا کنند؛ چرا که ادب، ریشه در ذات زیبا جوی بشر دارد و عقل سلیم نمی تواند بی ادبی خلیفه دوم را نادیده بگیرد.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۶ صفحه ۵۱.

۳- الطبقات الکبری، جلد ۲ صفحه ۲۴۲، فتح الباری، جلد ۸ صفحه ۱۰۱.

آیا رسول الله ﷺ دچار هذیان شده بودند و یاوه گویی می کردند؟! مگر نه آن است که پیامبر ﷺ مظهر عصمت الله هستند و تا آخرین لحظه زندگی معصوم از هر نوع خطا و اشتباه می باشند؟ آیا کسی که اوصاف لایق و سزاوار خود را به خاتم الانبیاء ﷺ نسبت می دهد را می توان در شمار عادلان و سعادت‌مندان قرار داد!؟

بررسی آیات قرآن مجید؛

در این جا اشکالات و ایراداتی را که به طور عام به تمامیت نظریه عدالت صحابه وارد می شود به پایان می رسانیم. به حول و قوه خداوند سبحان در این قسمت به بررسی تک تک آیاتی می پردازیم که قائلین عدالت صحابه به آنها استناد می کنند و ثابت می کنیم که آن آیات شریفه نیز به هیچ وجه مدّعی اهل سنت را تأیید نمی کند.

لهیرالمؤمنین ﷺ نخستین مؤمن؛

مهمترین آیه مورد استناد اهل سنت در اثبات عدالت صحابه، آیه ۱۰۰
سوره مبارکه توبه می باشد.

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

فِيهَا أَبْدَأَ ذَلِكَ الْفَوْزَ الْعَظِيمَ ﴿١﴾.

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار، و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها نیز از او خشنود شدند و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته، که نهراها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.

بر اساس این آیه، رضایت و خشنودی خداوند شامل حال مهاجرین، انصار و پیروان آنان می‌گردد، به شرط آنکه واجد دو قید مهمی باشند که در صدر آیه ذکر شده است. آن دو ویژگی عبارتند از:

۱ - السابقون: در پذیرش دعوت رسول الله ﷺ بر همه سبقت گرفته

باشند؛

۲ - الاُولون: نخستین مؤمنان باشند.

به عنوان مثال، در یک مسابقه دو میدانی تعداد زیادی شرکت می‌کنند، اما فقط چند نفر از همه شرکت کنندگان فاصله می‌گیرند و پیشتاز می‌شوند و از آن گروه اندک نیز فقط یک نفر اول می‌شود و به مدال طلا دست می‌یابد.

از میان صحابه رسول الله ﷺ چه کسی دارای این دو قید بود؟ تمام مورّخین بر این باورند که از میان مردان، امیرالمؤمنین عليه السلام (۲) و از میان زنان،

۱- سورة توبه، آیه ۱۰۰.

۲- فضایل صحابه، احمد ابن حنبل، جلد ۲ صفحه ۵۹۰ و مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۵۰۰ و سنن کبری، جلد ۶ صفحه ۲۰۶.

حضرت خدیجه کبری علیها السلام (۱) گوی سبقت را از همه ربودند و نخستین افرادی بودند که به نبوت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ایمان آوردند.

سبقت در اسلام بدون قید و شرط؛

در رابطه با این استدلال، برخی از اهل سنت می‌گویند: دو قید مذکور را با دو شرط ذکوریت و بلوغ می‌پذیریم؛ لذا حضرت خدیجه علیها السلام به دلیل زن بودن و امیرالمؤمنین علیه السلام به دلیل عدم بلوغ - که در آن دوران سیزده سال داشتند - از پیشگامان نخستین به شمار نمی‌روند.

در پاسخ به اهل سنت می‌گوییم، (السابقون والأولون) عنوانی مطلق است و مقتید به جنس و سن نشده است و زنان و افراد نابالغ را استثنا نمی‌کند. از طرف دیگر بلوغ فقط با شرط سنی حاصل نمی‌شود و شرایط دیگری هم دارد. آیا احتمال نمی‌دهید که امیرالمؤمنین علیه السلام در همان سن نوجوانی به تکلیف رسیده باشند؛ خصوصاً اینکه در مناطق گرمسیر این مسأله کاملاً عادی و شایع است.

ابن عباس می‌گوید: در زمان جاهلیت خدیجه علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌دیدیم که پشت سر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و در برابر خانه کعبه عبادت می‌کردند؛ گاهی می‌ایستادند و گاهی رکوع و سجود می‌کردند (۲).

۱- همان، جلد ۲ صفحه ۵۸۹ و العمدة، صفحه ۶۳.

۲- طبقات کبری، جلد ۸ صفحه ۱۷، تاریخ طبری، جلد ۲ صفحه ۵۶.

اگر بر این نظر باشیم که منظور از سبقت و اول بودن، پیشگامی تاریخی و زمانی است، هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و خدیجه کبری عَلَيْهَا السَّلَامُ نخستین مؤمنان به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بودند، اما بنا بر نظر مختار، مراد سبقت زمانی و تاریخی نیست و معنای عمیق‌تری مد نظر می‌باشد که انشاء الله در جلسه آینده به توضیح آن خواهیم پرداخت.

سابقین، شاهدین اعمال؛

با توجه به آیات قرآن مجید و این مبنا که،

«القرآن يفسر بعضه بعضا»^(۱).

بعضی از آیات قرآن، آیات دیگر را تفسیر می‌کند.

مناسب است که اندکی در معنای سابقین تأمل کنیم، خداوند متعال در

سوره واقعه در رابطه با سابقین می‌فرماید:

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾^(۲).

و پیشگامان، پیشگامند * آنها مقربانند.

ویژگی مهم سابقین از دیدگاه این آیه مقرب بودن آنها در درگاه خداوند

متعال است.

۱- تفسیر المیزان، جلد ۳ صفحه ۳۶.

۲- سوره واقعه، آیات ۱۰ و ۱۱.

در جایی دیگر خداوند متعال در رابطه با مقربان می‌فرماید:

﴿كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّنَ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا عَلَيُّونَ * كِتَابٌ مَرْقُومٌ
* يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ﴾^(۱).

چنان نیست، بلکه نامه اعمال نیکان در علیین است * و توجه می‌دانی
علیین چیست * نامه‌ای رقم خورده و سرنوشتی است قطعی * که
مقربان شاهد آنند.

بر اساس این آیه مقربان، شاهد و ناظر صحیفه اعمال ابرار و نیکان
هستند.

از طرف دیگر خداوند متعال بازگشت و محاسبه خلائق را مختص خود
می‌داند و می‌فرماید:

﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾^(۲).

به یقین بازگشت همه آنان به سوی ماست * و مسلماً حسابشان نیز با
ماست.

یکی از شئون حضرات معصومین علیهم‌السلام محاسبه و رسیدگی به اعمال

شیعیان در روز قیامت می‌باشد. در این زمینه امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

۱- سوره مطفین، آیات ۲۱-۱۸.

۲- سوره غاشیه، آیات ۲۶-۲۵.

« إذا كان يوم القيامة ولينا حساب شيعتنا »^(۱).

محاسبه شیعیان در روز قیامت به ما واگذار می شود.

با توجه به این چند آیه روشن گشت که سابقون و پیشگامان از مقربان درگاه الهی اند و مقربان کسانی هستند که ناظر و شاهد نامه اعمال ابرار و نیکان اند.

آیا کسی می تواند بگوید که منظور از (سابقون الأولون) سوره توبه، همه صحابه می باشند؟ آنها صحابه ای که از فرمان رسول الله ﷺ سرپیچی می کردند، نیت خالص نداشتند، به عهد و پیمان خود وفادار نبودند و به یکدیگر انواع و اقسام تهمتها را می زدند؟ آیا چنین صحابه ای شایستگی و لیاقت رسیدگی و محاسبه اعمال نیکان را در روز قیامت دارند؟!

تنها کسی که برازنده و واجد صفت نخستین پیشگام می باشد، وجود مبارک حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام است. قائلین به عدالت صحابه نیز این مطلب را تأیید نموده اند و در کتب خود ثبت کرده اند.

« سابق هذه الأمة عليّ ابن أبي طالب »^(۲).

۱- عیون اخبار الرضا عليه السلام، جلد ۱ صفحه ۶۳.

۲- لسان المیزان، جلد ۱ صفحه ۴۹ و مناقب ابن مغازلی، صفحه ۳۲۰، تذکره الخواص، صفحه ۲۱.

[حضرت] علی ابن ابی طالب [علیه السلام] در این امت بر همه کس سبقت در اسلام داشت .

حال پرسش مهم این است که اگر سبقت و پیشگامی ، افضلیت و برتری می آورد ، و بر طبق برهان عقلی خلافت و حکومت از آن افضل است ، صحابه چرا خلافت را به مفضول دادند^(۱) ؟

انشاء الله در جلسات آینده روشن می کنیم که آیه مورد استناد قائلین به عدالت صحابه ناظر به چه کسانی می باشد .

« والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته »

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، جلد ۱ صفحه ۷.

خود آزمایی؛

- ① سزای جسارت به محضر رسول الله ﷺ چیست؟
- ② بر اساس آیه ۱۵ سوره حجرات ویژگی مهم مؤمنین چیست؟
- ③ اصحاب رده چه کسانی بودند؟
- ④ فرار ابو هریره از جنگ چه لوازمی دارد؟
- ⑤ چه کسی و به چه بهانه‌ای در حدیبیه علیه رسول الله ﷺ شورش بر پا کرد؟
- ⑥ پیامبر ﷺ در رابطه با سرپیچی کنندگان از سپاه اسامه چه فرمودند؟
- ⑦ پیامبر ﷺ در بستر بیماری چه خواستند و عمر چه پاسخی داد؟
- ⑧ ابن عباس، ریشه مشکلات مسلمانان را در چه می‌دانست؟
- ⑨ نخستین مرد و زنی که به رسول الله ﷺ ایمان آوردند چه کسانی بودند؟
- ⑩ آیا سبقت در ایمان مقید به جنس و سن می‌باشد؟ توضیح دهید.
- ⑪ با آیات قرآن مجید اثبات کنید سابقین، شاهدان کارنامه اعمال نیکان می‌باشند.
- ⑫ با توجه به مفهوم سبقت در اسلام چگونه بطلان خلافت مورد نظر اهل سنت ثابت می‌شود؟

به سوی معرفت ۳۴

۲۷

یکی از شرم آورترین و وقیحانه ترین
موارد جسارت و اهانت به خاتم
الانبياء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی روی داد که ایشان
در بستر بیماری بودند و لحظات پایانی
عمر شریفشان در حالی سپری شدن بود.
در کتاب صحیح بخاری که نزد اهل سنت
اعتبار ویژه ای دارد و آن را هم سطح قرآن
مجید می پندارند در رابطه با واقعه فوق
اینگونه نگاشته شده است.
(صفحه ۱۶ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات:

کاشان: حسینیه مرحوم آیت الله یشری رحمته الله علیه

تلفن: ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ نمابر: ۴۴۴۹۹۳۳

